بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مفاهیم 2](#_Toc428457301)

[مرور گذشته 2](#_Toc428457302)

[مقدمه سوم:معنای مفهوم 2](#_Toc428457303)

[مقدمه اول: اقسام و معنای دلالت 2](#_Toc428457304)

[اقسام دلالت لفظیه 2](#_Toc428457305)

[اقسام دلالت التزامی 3](#_Toc428457306)

[مقدمه دوم: روابط بین مدلول مطابقی و التزامی 4](#_Toc428457307)

[ملاک پیوند التزامی 4](#_Toc428457308)

# مفاهیم

# مرور گذشته

بحث ما در مورد مفاهیم است. دو مطلب را در مقدمه عرض کردیم. در این مقدمات، ساختار مباحث اصولی را بررسی کردیم.

# مقدمه سوم: معنای مفهوم

بخش زیادی از آنچه در جلد اول کفایه آمده است، مباحث الفاظ است. یا محض لفظی است یا اینکه بین عقلی و لفظ مشترک است. این مجموعه مباحث، در ابوابی قرار دارند. این ابواب باید یک وجه متمایزی داشته باشند. قبل از بیان معنای مفهوم یک بحث مقدماتی در دلالات می‌کنیم.

## مقدمه اول: اقسام و معنای دلالت

در منطق ملاحظه کردید که دلالت بر سه قسم است:

1. لفظیه

2. طبعیه

3. عقلیه

به دلالت طبعیه هم کاری نداریم. چیزی که مهم است دلالت لفظیه و عقلیه است. انتقال از دال به مدلول گاهی بر اساس رابطه‌ی لفظی است و گاهی بر اساس رابطه‌ی عقلی است. اینکه دود دلالت بر آتش می‌کند، رابطه‌ی عقلی است. وقتی زید دلالت بر شخص می‌کند،رابطه‌ی لفظی است.

## اقسام دلالت لفظیه

دلالت لفظی به سه قسم تبدیل می‌شود:

1. مطابقی

2. تضمنی

3. التزامی

مطابقی، دلالت بر تمام معنا است. لفظ بر تمام معنا که ترکیب دارد دلالت می‌کند.

تضمنی، دلالت جزء در ضمن کل است. گاهی ممکن است لفظ که در کل به کار رفته است معنای جدیدی در جزء داشته باشد که این قسم از دلالت تضمنی خارج است و از دلالت مشترک است. صلاة، مجموعه افعال و اذکار است. همزمانی که صلاة همه را شامل می‌شود، درون آن نیز دلالت بر رکوع و سجود می‌کند. این همان دلالت تضمنی است. اگر دلالت مستقلی بر جزء کرد، دلالت تضمنی نیست.

## اقسام دلالت التزامی

برای روشن کردن دلالت التزامی گفته شده است، ملازمه‌ی بین دو چیز بر دو قسم است:

1. لزوم بین

2. لزوم غیر بین

لزوم بین نیز به دو قسم تقسیم شده است:

الف) بین به معنای اخص

ب) بین به معنای اعم

درنتیجه ما سه نوع لزوم داریم. لزوم بین جایی است که ما از تصور ملزوم، منتقل به لازم می‌شویم. مثلاً وقتی می‌گوییم چتر برداشت، باران را لازم می‌کنیم. لزوم غیر بین نیز درست است که لزوم بین است، اما یک درجه ضعیف‌تر است. این درجات ملازمه است.

لزوم غیر بین، زمانی است درجه ضعیف‌تر است. غیر بین در جایی است که تصور ملزوم را که می‌کند به لازم منتقل نمی‌شود. حتی اگر لازم را تصور بکند، ملازمه فهمیده نمی‌شود. کشف ملازمه نیاز به یک تأمل بیشتری دارد.

در منطق گفته شده است، منظور از دلالت التزامی همان لزوم بین است و لزوم غیر بین از آن خارج است. زیرا دلالت التزامیه شأن لفظ است. شأن لفظ نیز جایی است که لزوم وضوح دارد وگرنه لزوم‌های پیچیده‌ای که با استنتاجات عقلی به دست می‌آید، لفظی نیست.

لزوم بین به معنای اخص، قدر متیقن دلالت التزامی است. اما در لزوم بین به معنای اعم،اختلاف است. بعضی آن را از دلالت التزامی می‌دانند و بعضی نمی‌دانند. لزوم به معنای غیر بین نیز از دلالت التزامی خارج است.

## مقدمه دوم: روابط بین مدلول مطابقی و التزامی

رابطه‌ی بین مدلول مطابقی و التزامی دو قسم است:

1. رابطه‌ی بین مدلول مطابقی و مدلول التزامی، عقلی است. این رابطه‌ی عقلی از وضوحی برخوردار است که گویا لفظ آن را افاده می‌کند. فرض بگیریم، عقل وجوب مقدمه را می‌فهمد. اما این حکم عقل آن‌قدر واضح و شفاف است که تا آن را می‌گوید، دیگری را متوجه می‌شویم. پیوند بین مدلول مطابقی و التزامی یک رابطه تکوینی و عقلی است. منتها این پیوند از چنان وضوحی برخوردار است که گویا لفظ آن را بیان می‌کند. هر چیزی که وضوح زیادی پیدا بکند در محدوده دلالت لفظیه می‌آید.

2. رابطه بین مدلول مطابقی و التزامی، عرفی و عقلایی است. مثلاً چتر و باران. انتقال ما از چتر به باران انجام می‌گیرد. لفظ چتر ما را به مفهوم می‌رساند و آن مفهوم ما را به باران منتقل می‌کند. رابطه بین چتر و باران،یک رابطه‌ی تکوینی نیست. یک عرف عقلایی و سبک زندگی است.

رابطه بین 4 و زوج بودن،یک رابطه تکوینی است ولی چتر و باران این‌چنین نیست.

### ملاک پیوند التزامی

ملاک پیوند التزامی این است که چسبندگی مدلول مطابقی و التزامی، یک چسبندگی نسبتاً شفاف باشد که تا لفظ می‌گوید،انسان به سمت معنا برود. گویا مدلول در شعاع لفظ قرار گرفته است. اما این نوع پیوند شاید عقلی، عقلایی عام،عقلایی عرف خاص، عقلایی عرف عام و ... باشد. این پیوند، واضح و روشن است. درنتیجه دلالت التزامی به ذات دلالت لفظیه نیست.

دلالت التزامیه یعنی درجه‌ای از ارتباط بین معلول و لازم که از وضوح بالایی برخوردار است. اگر وضوح نداشته باشد، در غیر بین است و اگر وضوح داشته باشد، در حوزه‌ی بین می‌آید. از سویی چون وضوح و روشنی زیاد است، عملاً لفظ، معنا را می‌رساند.

دلالت لفظ به معنای حقیقی،یک دلالت است. دلالت لفظ بر معنا است. دلالت التزامی به مجاز، دلالت لفظ است. مثلاً وقتی می‌گوییم قلم، دلالت لفظیه بر مرکب نمی‌کند، بلکه به خاطر شرایط و استفاده دلالت التزامی آن بر مرکب است. ولی چون خیلی روشن است گویی دلالت لفظیه است.